

فصل اول: شخصیت شناسی امام حسین علیه السلام

<?xml encoding="UTF-8?">

امام حسین علیه السلام ، امام سوم شیعیان، شهید کربلا و ملقب به ثارالله است که نهضت عاشورا بر محور فداکاری و جان فشانی آن حضرت شکل گرفت. حسین علیه السلام ، تاریخ بشری را از حماسه و ایثار کرد و درس آزادگی و عزت به انسان ها آموخت. او با تقدیم خون خویش در کربلا، درخت اسلام را آبیاری کرد و مسلمانان را بیدار ساخت. پرداختن به شخصیت والا و الهی آن رادمرد جهان اسلام و بررسی جنبه های گوناگون حیات آسمانی آن سپهر ایمان، شناختی درخور و مجالی فراتر می طلبد. در این بخش برآنیم در حد توان با گزینشی از مکارم اخلاق آن امام همام و سیره و سخن آن پیشوای بزرگ، ره توشه ای برای رهروان راه ولایت فراهم کنیم.

مراحل زندگانی امام حسین علیه السلام پیش از واقعه عاشورا

دوران کودکی

امام حسین علیه السلام ، ثمره پیوند حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیهاالسلام ، دختر پیامبراعظم صلی الله علیه و آله بود. وی شش سال از دوران کودکی خود را در زمان جد بزرگوارش رسول الله صلی الله علیه و آله سپری کرد و در مکتب جدش تربیت یافت. او بسیار فروتن، خاشع، بخشنده، با گذشت، مهربان و شجاع بود. پیامبر زمانی که امام حسین و امام حسن علیهماالسلام ، هفت سال بیشتر نداشتند، فرمود: «اینها سرور جوانان بهشتند».

دوره 25 ساله پس از رحلت پیامبر تا حکومت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

در این دوره، روح لطیف او رحلت پیامبر بعد از آن، شهادت جان گداز مادر و خانه نشینی پدر و غصب فدک و... را دیده بود. در این دوران، امام حسین علیه السلام همیشه در کنار پدر بود و در جنگ ها شرکت می کرد. در واقعه حکمیت جنگ نهروان و [دیگر] جریان های پس از جنگ صفین نیز همه جا در رکاب پدر بود و آن همه بی وفایی ها و سست عنصری های مردم را نسبت به پدر بزرگوار خود از نزدیک می دید، با مرارت و تلخ کامی آن مصایب را تحمل می کرد. همه او را به عظمت و بزرگی می شناختند. شجاعت او زبانزد عام و خاص بود. همه برای او احترام قائل بودند و در مقابل او تعظیم و تجلیل می کردند».

پس از شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام : دوره غربت اهل بیت علیهم السلام

امام حسین علیه السلام پس از شهادت امام علی علیه السلام در کنار برادرش، امام حسن علیه السلام ، رهبر و پیشوای وقت بود و هنگام حرکت نیروهای امام مجتبی علیه السلام به سمت شام، همراه آن حضرت در صحنه نظامی و پیشروی به سوی سپاه شام حضور داشت. هنگامی که معاویه، به امام حسن علیه السلام پیشنهاد صلح کرد، امام حسن علیه السلام ، او و عبدالله بن جعفر را فراخواند و درباره این پیشنهاد با آن دو به گفت و گو پرداخت و بالاخره پس از متارکه جنگ و انعقاد پیمان صلح، همراه برادرش به شهر مدینه بازگشت و همان جا

اقامت گزید.

امام حسین علیه السلام در زمان معاویه و آن شرایط خفقان بار که کسی جرئت اعتراض نداشت، در برابر مظلوم معاویه به مبارزه و مخالفت برخاست. نامه های متعددی بین او و معاویه رد و بدل شد که نشانه موضع گیری سخت و انقلابی امام حسین علیه السلام در برابر معاویه است.

معاویه به دنبال فعالیت های دامنہ دار خود به منظور تثبیت ولی عهدی یزید، به مدینه سفر کرد تا از مردم به ویژه شخصیت های بزرگ این شهر که در رأس آنان امام حسین علیه السلام قرار داشت، بیعت بگیرد، ولی امام پاسخ کوبنده ای به او داد که همین پاسخ، سرآغاز مخالفت امام با یزید شد.

مکارم اخلاق امام حسین علیه السلام

شجاعت

دلاوری و بی باکی برای مقابله با دشمن و هراسیدن از خطرهای دشوار یکی از مهم ترین ملکات اخلاقی است که در حسین بن علی علیه السلام و یاران شهیدش و آزادگان اهل بیت علیهم السلام جلوه گر بود. روح حماسی در میدان های نبرد در خصلت های فردی و زمینه های تربیتی آن امام ریشه داشت. قیام کربلا از نخستین مراحل تا پایان آن، تجلی گاه شجاعت امام بود. صلابت و قاطعیت امام حسین علیه السلام در مخالفت کردن با یزید و خودداری ورزیدن از بیعت با وی، تصمیم گرفتن برای حرکت به سوی کوفه و مبارزه با یزیدیان، متزلزل نشدن روحیه از شنیدن اخبار داخل کوفه، اعلام آمادگی برای نثار خون در راه احیای دین، نهراسیدن از انبوهی سپاه گرد آمده در کربلا، رزم آوری های سلحشورانه و بی نظیر امام حسین علیه السلام و سربازان و خاندانش، جنگ نمایان عباس، علی اکبر و قاسم و... و صدها صحنه حماسی دیگر، همه جلوه هایی از شجاعت حسین بن علی علیه السلام و یارانش و بخشی از الفبای «فرهنگ عاشورا» است.

«خاندان پیامبر در شجاعت و قوت قلب و دلیری، نمونه بودند و آنچه در دلشان نبود، هراس از دشمن بود».

جوان مردی و بزرگواری

«عنایت ویژه محمد صلی الله علیه و آله ، آغوش زهرا علیها السلام ، پرورش علی علیه السلام و شایستگی های شخصی، در حسین علیه السلام جمع شد و از او، نمونه ای از بزرگواری، جوان مردی و فضیلت ساخت. مکتب حسین علیه السلام ، پاداش نیکی را نیکی برتر می داند. آری مکتب انسانیت چنین است. آنان که نیکی را پاداش نمی دهند انسان نخواهند بود و آنان که سزای نیکی را بدی می دهند، بویی از انسانیت نبرده اند. این حسین علیه السلام است که در همه احوال و حکایات، مشیت را با بوسه پاسخ می دهد و با دشمن مهر می ورزد، جوان مردی و بزرگواری دارد و راهنمایی می کند.»

نمونه ای از جوانمردی امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام در مسیر خود به کوفه، از سرزمین اشراف گذشت و به اصحابش دستور داد آب فراوانی بردارند و همه مشک ها را پر کنند. یاران حسین علیه السلام نیز به دستور امام، آب زیادی برداشتند و حرکت کردند. در منزل گاه بعدی به نام ذوحسم، به سپاه حُرّین یزید ریاحی برخوردند که مأمور بودند امام حسین علیه السلام را نزد ابن زیاد ببرند. در آن گرمای شدید، فریاد العطش سربازان حرّ که سخت تشنه شده بودند، بلند بود.

حسین علیه السلام ، آن یکه تاز میدان جوانمردی و انسانیت، به یاران خویش دستور داد تا نه تنها سپاهیان دشمن، بلکه اسب ها و مرکب هایشان را نیز سیراب کنند. علی بن طعان محارمی می گوید: «من آخرین نفر از سپاه حر بودم که امام حسین علیه السلام با دست خود، من و اسبم را سیراب کرد. چون فشار آب از دهانه مشک زیاد بود، آن حضرت لبه مشک را به عقب برگرداند تا فشار آب کم شود و من به راحتی آب بخورم».

تواضع

امام حسین علیه السلام با مسکینان و مستمندان می نشست و می گفت: «خداوند، اهل کبر و مستکبران را دوست ندارد». یک روز بر چند کودک گذر کرد که سرگرم خوردن یک قطعه نان بودند. بچه ها از امام خواستند تا با آنها هم غذا شود. امام با لطف و مهربانی، دعوت اطفال را پذیرفت و با آنها هم غذا شد. آن گاه بچه ها را با خود به خانه برد و آنها را از غذا سیر کرد و به آنها لباس پوشانید. سپس فرمود: *إِنَّهُمْ اسْخَى مِنِّي لِأَتَتْهُمْ بِذُلِّهِمْ جَمِيعٌ مَّا قَدَرُوا عَلَيْهِ وَ أَنَا بِذُلَّتْ بَعْضٌ مَّا أَقْدَرُ عَلَيْهِ.* این کودکان، از من سخاوتمندترند؛ زیرا آنها هرچه داشتند، بذل کردند، ولی من بخشی از مال خویش را بخشیدم.

خدا ترسی

«اولیاء الله به خاطر شناخت و معرفتی که به ذات مقدس الهی دارند، بیش از دیگران ترسانند. حسین علیه السلام نیز چنین بود. ابن شهر آشوب در مناقب آورده است که از حسین علیه السلام پرسیدند: «ما أعظم خوفُكَ مِنْ رَبِّكَ؛ چه زیاد از خدا می ترسی؟» فرمود: «يَأْمُنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَنْ خَافَ اللَّهَ فِي الدُّنْيَا؛ از عذاب خدا در قیامت ایمن نیست، مگر کسی که در دنیا از خدا بترسد».

از دعای آن حضرت در روز عرفه، میزان شناخت و ترس او را از خدا درمی یابیم که با چشمی گریان پس از بیان اوصاف باری تعالی و کیفیت آفرینش جهان هستی و شخصیت شخیص خود، آن چنان خدا را در همه احوال، حاضر و ناظر اعمال خویش می داند که گویی او را به چشم بصیرت می بیند، آنجا که می گوید: «کور باد چشمی که تو را مراقب خود نبیند و در زیان و خسران باد و بنده ای که نصیب و بهره ای از عشق و محبت خود در او قرار نداده ای!»

علم حسین علیه السلام

«چنانکه می دانیم دانش این بزرگواران، موهبت الهی بوده است. علم حسین علیه السلام و دیگر امامان علیهم السلام نیز به افاضه ربانی و بخشش الهی و تعلیم خاص شخص پیغمبر اعظم صلی الله علیه و آله بود. وگرنه کدام مدرسه در کل دنیای پر از جهل و نادانی می توانست چنین فارغ التحصیلانی تحویل دهد که در علوم و فنون متعدد و گوناگون، استاد و از زمان کودکی، مرجع مردم و علما در مسائل علمی باشند و تا امروز کلماتشان برای رجال علم و فلسفه، حلال مشکلات گردد.

هرچه انسان در حالات سید الشهداء علیه السلام دقیق تر شود، بیشتر به این نکته دست می یابد که یک بصیرت خارق العاده و بینش غیبی در امر دین، راهنمای آن حضرت بوده است. دانش آن حضرت از احتجاجات او با دشمنان اهل بیت علیهم السلام به ویژه معاویه و مروان و نامه هایی که به معاویه مرقوم فرموده و خطبه هایی که به مناسبت هایی ایراد کرده و از دعای عرفه و دعا های دیگر که از آن حضرت در کتاب های شیعه و سنی

نقل شده، ظاهر و آشکار است.

مطلب دیگری که از احادیث به دست می آید، این است که حسین علیه السلام، کثیر الحدیث و الروایة بوده که در آن زمان با اینکه اصحاب پیغمبر کم نبودند و نقل حدیث می کردند، مردم، همه آنها را ترک [می کردند] و به مجلس حسین علیه السلام می آمدند.

اخباری که از حسین علیه السلام در این باب نقل شده (که حاکی از علم و ذوق سرشار، قوت فطانت، استعداد و قریحه و استحکام منطق است) بیشتر از این است که احصا شده است. آن حضرت به نوعی در مسائل علمیه (باجودت ذهن و حدّ خاطر) اظهار نظر می کرد و فتوا می داد که موجب تحیّر مردم می شد، تا حدی که عبدالله بن عمر در حق او گفت: اِنَّهُ يَغُرُّ الْعِلْمَ غُرًّا؛ همانا حسین علیه السلام، علم را می نوشید».

جود و سخای حسین علیه السلام

درباره کرامت و جود و بخشش حسین علیه السلام داستان های زیادی نقل شده است که به عنوان نمونه به دو مورد اشاره می کنیم:

1. عمرو بن دینار روایت می کند که امام حسین علیه السلام به عیادت اسامه بن زید رفت و او بیمار بود. وی را اندوهناک دید. علتش را جویا شد. اسامه گفت: شصت هزار درهم بدهکارم. امام فرمود: بر عهده من که آن را بپردازم. اسامه عرض کرد: می ترسم قبل از ادای دین بمیرم. امام حسین علیه السلام فرمود: نخواهی مُرد تا من قرض تو را بپردازم و حضرت پیش از فوت اسامه، دینش را پرداخت کرد.

2. انس می گوید: من خدمت امام حسین علیه السلام بودم که کنیزش یک شاخه گل آورد و به امام علیه السلام تقدیم کرد. حضرت فرمود: تو را در راه خدا آزاد کردم. انس می گوید: به حضرتش عرض کردم: یک شاخه گل ارزشی ندارد که به خاطر آن او را آزاد کردی! امام حسین علیه السلام فرمود: «خدا ما را چنین ادب آموخته است که می فرماید: «و چون شما را تحیت گویند، شما بهتر از آن تحیت گویید یا مثل آن» و آزاد کردن کنیز تحیت بهتر بود».

زهد امام حسین علیه السلام

بهترین نشانه زهد کامل و خوار شمردن دنیا، فداکاری و گذشت آن حضرت از جان خود و جوانان و برادران و اصحاب و یاران و تن دادن به آن همه مصیبت و بلا بود.

اگر دنیا و مال و نعمت آن، در نظر کسی بی قدر و ارزش نباشد، نمی تواند این گونه در راه حق و یاری دین خدا و بزرگداشت هدف عالی خود، پایداری و استقامت ورزد تا به حدی که بدن قطعه قطعه عزیزانش را ببیند و صدای ناله زنان و کودکان را بشنود، ولی در راه یاری دین خدا، ثابت و پابرجا بماند و در مقابل باطل، نرمش نشان ندهد.

حسین علیه السلام کسی نبود که به خاطر زندگی دنیا و خوش گذرانی، مصالح عالی اسلامی را نادیده بگیرد و با گرفتن حق سکوت، برقراری چنان دستگاه فاسد ظلم و کفر را امضا کند و در ادای تکلیف و وظیفه مهمی که از طرف خدا به عهده دارد، مسامحه و کوتاهی ورزد.

علائلی می گوید: «حسین علیه السلام در این ناحیه، بزرگ و یگانه بود. زندگی دنیا را خوار می شمرد و از مرگ بیم و هراس نداشت و به جز برهان پروردگارش که همه چیز را فدای آن می کرد، به هیچ چیز نظر ندوخت».

نماز در سیره امام حسین علیه السلام

نماز از عالی ترین نمونه های معنوی پیوند با خدا و برترین جلوه های ذکر خدا است. این ارتباط معنوی در مبارزه و جهاد نیز، به مجاهد راه خدا روحیه می بخشد، چنان که حضرت علی علیه السلام در جنگ صفین به یکی از یاران خود گفت: «برای نماز با این قوم می جنگم». امام حسین علیه السلام نیز از اقامه کنندگان نماز است، هم چنان که در زیارت نامه های ایشان آمده است:

أشهدُ أَنَّكَ قَدَاقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ.

گواهی می دهم که تو برپادارنده نماز و دهنده زکات هستی.

نماز امام حسین علیه السلام در راه کربلا همراه با سپاه حر یکی دیگر از جلوه های آسمانی امام حسین علیه السلام در توجه به امر نماز، آنجا تجلی یافت که در مسیر کربلا و هنگام اقامه نماز فرمود:

فَهُوَ يَعْلَمُ أَنِّي قَدَكُنْتُ أَحِبُّ الصَّلَاةَ.

پروردگار جهانیان به اشتیاق (وصف ناشدنی) من به نماز آگاه است.

نماز امام حسین علیه السلام در شب عاشورا

نقل شده است امام حسین و یارانش، شب عاشورا را با زمزمه نماز و نیایش و تضرع و در حال رکوع و سجود، ایستاده و نشسته به صبح رساندند...»

نماز امام حسین علیه السلام در ظهر عاشورا

ظهر عاشورا نیز وقت نماز، ابو ثمامه صائدی به حضرت یادآور شد که وقت نماز است. دوست دارم خدا را در حالی ملاقات کنم که این نماز را که وقتش رسیده است، بخوانم. امام نگاهی به آسمان کرد و فرمود: نماز را یاد آوردی، خدا تو را از نمازگزاران و ذاکران قرار دهد. آری! اکنون اول وقت نماز است. از آنان بخواهید دست از جنگ بردارند تا نماز بخوانیم.»

نماز خون و شهید نماز

از دیگر جلوه های شکوهمند عاشورا، شهادت یاران امام حسین علیه السلام به هنگام نماز است. نقل است که سعید بن عبدالله حنفی در روز عاشورا، شهید نماز شد. وی پیشاپیش امام حسین علیه السلام ایستاد تا تیرهایی که از چپ و راست به سمت امام رها می شد، به آن حضرت نخورد. آن قدر تیر به او خورد که وقتی نماز امام حسین علیه السلام تمام شد، سعید بن عبدالله حنفی، به زمین افتاد و به مقام والای شهادت رسید. پیروان نهضت اباعبدالله علیه السلام نیز باید به نماز اهتمام ورزند و آن را در رأس امور خویش قرار دهند، به ویژه عزاداران حسینی علیه السلام نباید نماز را که واجب دینی است، فدای مراسم سینه زنی و عزاداری مستحب کنند و توجه داشته باشند که نماز، مایه برخورداری از شفاعت حسین علیه السلام است.

مهربانی با خانواده

امام حسین علیه السلام با همسران و فرزندان خویش در نهایت ادب و محبت و مهربانی معاشرت می کرد. عَقَاد

می نویسد: «حسین علیه السلام از آن کسانی بود که به فرزندان خویش، محکم ترین علایق را داشت و نیز نسبت به همسرانش بهترین عواطف را دارا بود. گفته شده است امام درباره همسر باوفایش، رباب و دختر شیرین زبانش، سکینه چنین می گفت: به جان خود سوگند، خانه ای را دوست می دارم که سکینه و رباب را میزبانی کند. من این دو را دوست می دارم و مالم را در راه آنان می دهم و کسی نمی تواند مرا بر این علاقه و دوستی ملامت کند.

همین دوستی و صمیمیت است که بنای خانواده را محکم و استوار می گرداند و از تزلزل و فروپاشی آن جلوگیری می کند. ثمره این وفاداری و انس امام با همسرش را در رفتار همسر آن حضرت پس از شهادتش می بینیم. رباب، یکی از همسران باوفای حسین علیه السلام بود که تا واپسین دم، از امام حسین علیه السلام جدا نشد و بار شهادت شوهر والا مقام خود را بر دوش کشید و به منزل رسانید. رباب بیش از یک سال پس از امام حسین علیه السلام زنده بود و در تمام این مدت به سوگ شوهر نشست؛ زیر سقفی نرفت و از گرما و سرما پرهیز نکرد تا اینکه در غم حسین علیه السلام جان داد.

احترام به برادر

امام حسین علیه السلام به برادرش امام مجتبی علیه السلام بسیار احترام می گذاشت و همواره با او، هم گام و همراه بود و هیچ گاه میان دو برادر شکافی رخ نداد. آنچه یکی انجام می داد، دیگری می پسندید و می پذیرفت. از امام باقر علیه السلام نقل شده است که امام حسین علیه السلام به قدری، برادرش امام مجتبی علیه السلام را گرمای می داشت و بزرگ می شمرد که در حضور او هیچ وقت سخن نمی گفت. وحدت کلمه و اتفاق نظر، پیوسته در میان دو برادر برقرار بود. چون امام مجتبی علیه السلام با معاویه پیمان صلح بست، امام حسین علیه السلام پیمان برادرش را اجرا کرد. هنگامی نیز که برادرش به شهادت رسیده عراقیان برای امام حسین علیه السلام نامه های فراوانی نوشتند تا با رهبری آن حضرت، معاویه را از خلافت، خلع و با ایشان بیعت کنند. با این حال، امام حسین علیه السلام در پاسخ به نامه ها، پیمان صلح برادرش را پیمان خود می خواند و به آنها پاسخ منفی می داد.

برگ هایی زرین از سخنان امام حسین علیه السلام

سخنان والای مولایمان امام حسین علیه السلام چونان اقیانوسی است که در این بخش به اندازه انگشت دانه ای از این اقیانوس بهره برده ایم.

1. در مواردی که حق تو را ملزم می سازد، بر آنچه نمی پسندی، شکبیا باش و در مواردی که هوای نفس، تو را فرا می خواند، خود را از آنچه ناحق است و دوستش می داری، نگه دار.

پیام:

- همیشه پای بند حق باش، حتی اگر به زیانت باشد.

- در مقابل هوای نفس، خود نگه دار باش!

2. کسی که تو را دوست دارد، از زشتی ها بازت می دارد و کسی که دشمن توست، مغرورت می کند.

پیام:

- یکی از موانع رسیدن به کمال، داشتن دوست بد است.

- در انتخاب دوست، نهایت تلاشت را بکن!

3. کسی که از راه نافرمانی خدا درصدد به دست آوردن چیزی باشد، آنچه را امید دارد، زودتر از دست می دهد و آنچه بیم دارد، زودتر سر می رسد.

پیام:

- شاید در ظاهر، با انجام گناه به سودی برسی، ولی اثر گناه به زودی دامن گیرت خواهد شد.

4. بدانید که زشت و زیبای دنیا، چونان رؤیایی است که زود می گذرد و البته بیداری و هوشیاری در روز قیامت است. کسی که در آخرت رستگار شد، جاودانه است و هر که در روز قیامت به عذاب الهی افتاد، گرفتاری اش جاودانه خواهد بود.

پیام:

- فریفته ظاهر زیبای دنیا مشو!

- لذت های دنیا زودگذر است.

5. ای فرزند آدم! تو روزگاری بیش زنده نیستی، هر روز که بگذرد، بخشی از وجود تو از دست رفته است.

پیام:

- به گذر عمرت توجه کن!

- از خواب غفلت بیدار شو!

- تا فرصت داری، از عمرت، شایسته بهره برداری کن!

6. هیچ گاه فریفته دنیا نشوید، زیرا امید تکیه کننده هایش را قطع می کند و طمع طمع کارانش را ناکام می گذارد.

پیام:

- دل بسته دنیا مشو.

- دنیا را بر خواسته خدا ترجیح مده!

- زیبایی های فریبنده دنیا، تو را از معنویات دور نکند.

7. خود را در کار بیهوده به سختی انداختن، نشانه کم خردی و نادانی است.

پیام:

- عاقبت اندیش باش!

- پیش از آغاز هر کار، به فکر سود دنیا و آخرتش باش.

8. با ارزش های اخلاقی زندگی کنید و برای به دست آوردن سرمایه های نیک بختی بشتابید. کاری را که برای آن شتاب نکردید، به حساب نیاورید.

پیام:

- برای رسیدن به لحظه های خوش بختی شتاب کن.

9. نشستن با صاحبان خرد و اندیشه از نشانه های پذیرفتن حق است و بگو و مگو با غیر اهل فکر از نشانه های نادانی است.

10. آنچه را طاقت نداری به اجبار بر خود مبند

پیام:

- پیش از پذیرش کار، جنبه های گوناگون آن را در نظر بگیر.

- متناسب با استعداد و توانایی ات، شغل انتخاب کن!

11. به خدا سوگند! بلاها، فقر، تهی دستی و کشتارها، بسیار زود و همچون دویدن اسبان سواری در مسابقه یا حرکت تند سیلاب ها به سوی زمین های پست، دامن گیر دوستان ما می شود.

پیام:

- یکی از راه های آزمایش مؤمنان، گرفتاری و بلاست.

- گرفتاری، گاهی از سر لطف خداوند به بندگان است.

- انسان های مقرب، بلاهای بیشتری خواهند داشت.

12. کسی که لباس شهرت بپوشد، خدا در روز قیامت از او روی می گرداند.

پیام:

- پوشش باید متناسب با شأن و موقعیت اجتماعی باشد.

- پوشیدن لباس نامعمول، تو را به خودنمایی متهم می کند.

- مطابق با هویت اجتماعی ات لباس بپوش.

منشور رفتاری امام حسین در عرصه مدیریت

این گفتار، نگاهی دارد به بررسی جنبه های رفتاری امام حسین علیه السلام در حیطه مدیریت واقعه عاشورا و انطباق آن با اصول مدیریت امروز.

امام حسین علیه السلام با توجه به برخورداری از شایستگی های ضروری برای رهبری، نهضت عاشورا را به بهترین صورت، از آغاز تا پایان و پس از آن و با در نظر داشتن همه مهارت های مدیریتی، رهبری کرد.

با مروری بر نهضت عاشورا درمی یابیم که امام حسین علیه السلام در رهبری نهضت عاشورا تمام وظایف یک مدیر، مانند تصمیم گیری، برنامه ریزی، سازمان دهی، هدایت، نظارت و هماهنگی را به خوبی به نمایش گذارد که به طور مختصر به آن اشاره می شود:

1. تصمیم گیری

امام برای اقامه اصل امر به معروف و نهی از منکر، از بیعت با یزید، خودداری و با صراحت تمام و قاطعیت وصف ناپذیری، آن را رد کرد. آن گاه نیز که عوامل یزید، بر وی فشار آوردند، تصمیم گرفت از مدینه خارج شود و با استقرار در مکه، حرم امن الهی، صدای اعتراض خود را به گوش مسلمانان برساند و پس از آن، دعوت عمومی مردم کوفه را اجابت کند. به عبارت دیگر، با رفتن به قتل گاه و با هدیه خون خود و فرزندان و یارانش، اصل امر به معروف را احیا و چهره مصداق عینی منکر؛ یعنی سلطنت یزید را آشکار سازد.

از آنجا که امام علیه السلام از نتیجه نهایی تصمیمش (قیام) آگاهی داشت، از ابتدای حرکت و در مسیر خود، هرگونه مخالفت و پیشنهادی مبنی بر دست کشیدن از حرکت و ارائه راه حل های دیگر را با بیان منطقی رد می کرد و با قاطعیت تمام، تصمیم اولیه خود را عملی ساخت؛ تصمیمی که با آگاهی و پیش بینی لازم از نتایج، گرفته بود. اکنون نیز با گذشت قرن ها از آن دوران، درمی یابیم که تمام پیشنهادها و راه حل های دیگر نظیر بیعت با یزید، قیام در مدینه، پناه گرفتن در مکه، گرفتن امان از والی مکه، فرار به نقاط دوردست و مانند آن، نه تنها آثار

گران بها و ارزشمند آن حماسه را در پی نداشت، بلکه پی آمدهای ناگواری برای جامعه اسلامی ایجاد می کرد. وجه تمایز تصمیم امام حسین علیه السلام با تصمیم دیگران در این بود که پیشنهاد دهندگان راه های دیگر، ظاهر را می دیدند و شکست و پیروزی را با معادله ها و محاسبه های عادی و ظاهری ارزیابی می کردند. آنان ساقط کردن حکومت یزید و تشکیل حکومت را هدف نهضت امام فرض کرده بودند و از پشت پرده و واقعیت امر آگاهی نداشتند.

2. برنامه ریزی

برنامه ریزی صحیح و اساسی بر دو اصل استوار است.

الف) دقت در هدف گذاری

امام حسین علیه السلام روزی که از مدینه خارج شد، اهداف نهضت را در قالب وصیت نامه ای به برادرش محمد حنفیه چنین تبیین فرمود:

[مردم دنیا بدانند] که من یک فرد جاه طلب، اخلاص گر، مفسد و ظالم نیستم (من چنین هدف هایی ندارم، قیام من قیام اصلاح طلبی است) و خروج کردم برای اینکه امت جدم را اصلاح کنم، امر به معروف و نهی از منکر کنم و شیوه جدم و پدرم را عملی سازم.

خلاصه، پایان این مرحله از نهضت را با عبارت های متعددی از شهادت بر می شمارد. از جمله آنها: «اگر دین جدم جز به کشته شدن من استوار نمی ماند، پس ای شمشیرها مرا فراگیرید.»

و نیز فرمود: هر کس خون قلبش را در راه ما نثار می کند و خود را برای شهادت و دیدار حق آماده کرده، با ما حرکت کند.

همان گونه که از گفته های امام علیه السلام مشهود است، هدف نهایی از نهضت در یک کلمه خلاصه می شود و آن حیات و حفظ اسلام است.

ب) پیش بینی و زمان بندی

امام حسین علیه السلام به دنبال خواسته یزید برای بیعت، به خوبی اوضاع را پیش بینی کرده بود و از آغاز تا پایان حرکت، مسئله بیداری جامعه اسلامی و افشای عملکرد حاکمان اموی به ویژه یزید، عنایت داشت. بی گمان، حرکت دادن خانواده پیامبر به همراه زنان و کودکان از کوره راه ها و بیابان ها، از مدینه تا مکه و از آنجا تا کربلا، برای این بود که عاطفه آن مردم را برانگیزاند و سؤال هایی در اذهان عمومی به وجود آورد که ثمره آن بعدها آشکار شد. از این رو، امام در آستانه حرکت از مدینه به سوی کربلا، به دو بخش از مبارزه خود اشاره می کند؛ یکی بخش شهادت (عملیات نظامی) و دیگری بخش اسارت (عملیات فرهنگی). ایشان به فرمایش جدش نیز اشاره دارد که فرمود: «پس خداوند خواسته است که تو را کشته ببینند... و زنان (دیگر همراهان) را اسیر».

بر این اساس، امام حسین علیه السلام برای رسیدن به اهداف نهضتش، حساب شده و با برنامه پیش رفت و تمامی برنامه هایش، سنجیده و عاقبت اندیشانه بود.

3. سازمان دهی

نهضت امام حسین علیه السلام در دو بخش شهادت (عملیات نظامی) و اسارت (عملیات فرهنگی) سازمان دهی شد. فرآیند نهضت به دو برنامه کوتاه مدت (شامل اقدام ها و پیش بینی حوادث احتمالی در منازل پیموده با

اهداف و نتایج ارزشمند) و برنامه بلندمدت (در قالب به اسارت رفتن فرزندان و خاندان امام) و در میانه این دو برنامه، به برنامه اصلی؛ یعنی حماسه خونین روز عاشورا تقسیم می شد.

برنامه کوتاه مدت با این اهداف آغاز شد:

- تبیین اصول، مبانی و ماهیت نهضت، برای الگو قرار دادن آن برای آیندگان

- تبیین اهداف و درستی نهضت؛

- مستندسازی نهضت عاشورا در تاریخ؛

- دریافت خبرهایی از دشمن و اوضاع منطقه عملیاتی؛

- جذب و آماده سازی نیروهای عملیاتی در روز عاشورا.

باوجود دشواری های حضور زنان و کودکان، برنامه بلندمدت امام برای تبیین و گسترش حماسه حسینی بسیار مؤثر بود. امام این بار سنگین را پس از خود بر دوش سیدالسادین علیه السلام و خواهر گرامی اش، زینب کبرا علیهاالسلام نهاد که آن دو بزرگوار نیز این رسالت را به زیبایی تمام انجام دادند. بدین گونه بود که فساد و خون ریزی بنی امیه و یزید، افشا و نهضت حسینی تثبیت شد.

4. هماهنگی

در نهضت عاشورا، میان امام حسین علیه السلام و اصحاب و یارانش هماهنگی و هم دلی بود و همه آنان برای دست یابی به وصال حق و ادای تکلیف امر به معروف و نهی از منکر در کنار امام حسین علیه السلام قرار گرفته بودند.

همه اصحاب در پیروی از رهبر نهضت، فعالیت های یکسانی انجام می دادند. آنان در روز عاشورا در صف های به هم پیوسته، یک رنگی و همراهی و وحدت خود را تا پای جان به نمایش گذاشتند و هیچ گونه تعارضی در عملکردهای آنان دیده نشد.

5. رهبری

هدایت و رهبری در نهضت امام حسین علیه السلام بر پایه اصول و ارزش های دینی قرار داشت که امام سجاد علیه السلام در خطبه آتشین خود در شهر شام و کاخ یزید به بعضی از این اصول اشاره فرمود. ایشان بدین گونه هم به معرفی خاندان عصمت علیهم السلام به ویژه رهبر نهضت، اباعبدالله الحسین علیه السلام پرداخت و هم چهره ناپاک و ناشایست بنی امیه، به ویژه یزید را افشا کرد.

امام سجاد علیه السلام در بخشی از این خطبه به بعضی شرایط و ویژگی های رهبری پرداخته است که در زیر به آن می پردازیم:

ای مردم! خداوند به ما شش چیز عنایت فرموده است: دانش، بردباری، جوان مردی، فصاحت بیان، شجاعت و محبت در دل های اهل ایمان.

خداوند، این ویژگی ها را تنها به افراد خاصی که مأمور هدایت بشر هستند، عطا می فرماید. با بررسی زندگانی امام حسین علیه السلام و نهضتش درمی یابیم که آن حضرت تمام شرایط یک رهبر شایسته را دارا بود.

6. نظارت

امام حسین علیه السلام در شب عاشورا از محیط خیمه ها تا نزدیکی لشکر دشمن بیرون رفت. فردی از امام پرسید: دلیل نزدیک شدن شما به لشکر دشمن در این وقت شب چیست؟ امام در پاسخ وی فرمود: آمده ام تا پستی و بلندی اطراف خیمه ها را بررسی کنم که مبادا برای دشمن مخفی گاهی باشد و از آنجا برای حمله خود یا دفع حمله شما استفاده کند.

همچنین یکی دیگر از فعالیت های سپاه امام در شب عاشورا این بود که سلاح های خود را برای فردا آماده سازند.

بدین ترتیب می بینیم که امام بر تمامی مراحل عملیات، نظارت داشت. آن حضرت با به کارگیری صحیح ترین اصول مدیریتی، نهضت را رهبری و اداره کرد و برای بهره برداری از آن نیز برنامه های دقیق و حساب شده ای را به اجرا گذاشت که جلو هرگونه تحریف احتمالی از سوی امویان برای خاموش کردن آن نهضت را بگیرد.

منابع پیشنهادی در زمینه شخصیت و سخنان امام حسین علیه السلام

1. امام حسین علیه السلام
صاحبی، محمد جواد، تهران، رشد همگان، چاپ اول، 1376، 80 صفحه.
2. امام حسین علیه السلام در آیین تاریخ
تقی زاده انصاری، بدر، تهران، علوم روز، چاپ اول، 1380، 804 صفحه.
3. امام اصلا حکر
معزی، سعید، تهران، نذیر، چاپ اول، 1380، 80 صفحه
4. بررسی کوتاهی در زندگی رهبر آزادگان حسین علیه السلام
حکیمی، محمود، قم، نسل جوان، 1354، 111 صفحه.
5. تاریخ سیدالشهدا علیه السلام
صفایی حائری، عباس، با تحقیق و ویرایش واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران، قم، مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، 1379، 669 صفحه.
6. تحقیق و پژوهش در تاریخ زندگانی امام حسین علیه السلام
اخلاقی، محمد اسحاق، قم، ثقلین، چاپ اول، 1378، 972 صفحه.
7. ثارالله، خون حسین علیه السلام در رگ های اسلام
عندلیب همدانی، حسین، قم، انتشارات در راه حق، چاپ اول، 1376، 335 صفحه.
8. خورشید شهادت (نقش خواص در تحولات جامعه اسلامی)
مجموعه مقالات چهارمین سمینار بررسی ابعاد زندگی امام حسین علیه السلام، تهران دانشگاه امام حسین علیه السلام، مؤسسه چاپ و انتشارات، چاپ اول، 1378، 580 صفحه.
9. رجعت خونین
ابراهیم پور، ابراهیم، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، 1378، 66 صفحه
10. شخصیت شناسی عاشورا
علوی، سید رسول، قم، مرکز پژوهش های اسلامی و صدا و سیما، چاپ اول 1380، 254 صفحه
11. شناخت عوامل بنی امیه در واقعه عاشورا

- یدائی، حیدرعلی، تهران، برهان، چاپ اول، 1379، 84 صفحه .
12. چهل حدیث از امام حسین علیه السلام (گوهرهای حسینی)
شریفی، محمود، قم، معروف، چاپ اول، 1376، 80 صفحه
13. چلچراغ حسینی (چهل حدیث برگزیده از سخنان گهربار حضرت حسین بن علی علیه السلام) رهبر،
محمدتقی، تهران، بنیاد بعثت، مؤسسه الحسین، چاپ اول، 1376، 40 صفحه.
14. بازتاب وحی (سخنان امام حسین علیه السلام)
حسینیان، سعید، با مقدمه: مهدی حائری طهرانی، تهران، امام مهدی (عج)، چاپ اول 1379، 180 صفحه.
15. سخنان حسین بن علی علیه السلام از مدینه تا کربلا
نجمی، محمد صادق، قم، دفتر انتشارات اسلامی (جامعه مدرسین)، 1373، 360 صفحه.
16. توفان خطبه ها (خطبه امام حسین علیه السلام ، خطبه امام سجاد علیه السلام ، خطبه حضرت زینب
علیهاالسلام ، خطبه حضرت ام کلثوم علیهاالسلام
ده بزرگی، احد، تهران، پیام آزادی، چاپ اول، 1379، 120 صفحه.
17. فرهنگ سخنان امام حسین علیه السلام
دشتی، محمد، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین، چاپ اول، 1379، 751 صفحه.
18. فرهنگ عاشورا
محدثی، جواد، قم، معروف، چاپ چهارم، 1387، 512 صفحه.